

غلبه آرمان بر واقعیت

مفهوم‌شناسی «پیشرفت» با تاکید بر قلمرو موضوعی فرهنگ

دکتر احمد پاکتچی

احمد پاکتچی، استاد نامور فرهنگ و معارف اسلامی که بر روش‌شناسی و زبان‌شناسی تسلط چشم‌گیری دارد، می‌گوید: آنچه روندهای مختلف پیشرفت را از یکدیگر متمایز می‌کند، «تفاوت‌ها در اصل مفهوم پیشرفت» و یا «تنوع در اولویت‌ها» است. در این یادداشت وی به مفهوم‌شناسی پیشرفت از منظری فرهنگی پرداخته و با تفکیک میان دو بعد «یادمانی» و «دگر سازی» معتقد است باید میان مرجع آرمانی و مرجع واقعی در پیش‌فرض‌های فرهنگی جامعه، نوعی تعادل برقرار نمود. این در حالی است که بررسی وضعیت کنونی جامعه ایران نشان می‌دهد که از الگوی غلبه جنبه آرمانی و یادمانی بر جنبه واقعی و دگر سازی پیروی می‌کند. این نوشتار بخشی از متن سخنرانی ایشان در سی و پنجمین نشست دفتر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دانشگاه امام صادق (ع) است که گفتمان الگو را پیش روی مخاطبان خود می‌گذارد.

فرهنگ: جنبه‌های یادمانی و دگر سازی

در پی جویی از قلمروهای موضوعی پیشرفت، یکی از بنیادترین این قلمروها، حیطه فرهنگ است که می‌تواند نسبت به جنبه‌های دیگر پیشرفت، تأثیری قاطع بر جای گذارد. در دانش فرهنگ‌شناسی، فرهنگ برآیند دو جنبه مکمل یکدیگر است: از سویی مبتنی بر یادمان‌های یک جامعه از تجربه‌هایش در گذشته است و از سوی دیگر بر خلاقیت، نوآوری و دگر سازی تکیه دارد. هم در جنبه «دگر سازی» و هم در جنبه «یادمانی»، دینامیسم فرهنگ بیشتر بر جنس احساس و انگیزش مبتنی است تا خودآگاهی و برنامه‌ریزی.

جنبه یادمانی فرهنگ، تکیه بر نوعی تاریخ دارد؛ حتی اگر این تاریخ خودنوشته و از سوی فرهنگ‌های دیگر ناپذیرفتنی باشد، تا حد بسیاری با قالب‌های عینی تاریخ محدود می‌شود و در مقایسه با جنبه دگر سازی، امکان تغییر در آن با دشواری بیشتری روبه‌روست. از آنجا که «پیشرفت نوعی تغییر است»، در یک نگاه بدوی، جنبه دگر سازی فرهنگ نسبت به جنبه یادمانی آن بیشتر از این ظرفیت برخوردار است. شاید همین تلقی موجب شده است که به‌خصوص در عصر تجدیدگرایی، بسیاری از جوامع بی‌آنکه ترسی به خود راه دهند، از اهمیت گذشته کاسته و همت خود را بر آینده نهاده‌اند. البته فرهنگ‌های مختلف ماهیتاً در این باره متفاوت هستند؛ برای فرهنگ‌هایی که در دینامیسم آن‌ها جنبه یادمانی نسبت به جنبه دگر سازی از وزن بیشتری برخوردار است یا نوعی تعادل میان این دو جنبه دیده می‌شود، طرح برنامه پیشرفت با تکیه بر جنبه دگر سازی و کم‌رنک کردن جنبه یادمانی می‌تواند به نوعی از خود بیگانگی جامعه و تخریب فرهنگ منجر شود.

از آنجا که شواهد نشان می‌دهد فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، از الگوی «غلبه جنبه یادمانی بر دگر سازی» پیروی می‌کند، بسط مفهوم پیشرفت در حیطه فرهنگ، به جد نیازمند آن است که از حیث فرهنگ‌شناسی، دینامیسم این فرهنگ و به‌خصوص رابطه دو جنبه یادمانی و دگر سازی در آن باز کاویده شود.

کدام معنا از فرهنگ؟

فارغ از اختلافاتی که نزد فرهنگ‌شناسان در تعریف فرهنگ وجود دارد، حتی در کاربردهای عرفی، فرهنگ به معانی مختلف به کار برده می‌شود. از آن میان، دو کاربرد مهم و مشخص وجود دارد که با بحث حاضر ارتباطی مستحکم دارد: «فرهنگ به‌مثابه تعلیم و تربیت» و «فرهنگ به‌مثابه رسوم و سنت‌ها».

در خصوص فرهنگ به‌مثابه تعلیم و تربیت، گفتنی است هم در فارسی و هم لاتین، اصل اصطلاح فرهنگ از همین معنا ساخته شده که نشان از ریشه‌دار بودن خاستگاه آن دارد. درباره فرهنگ به‌مثابه رسوم و سنت‌ها نیز باید گفت این کاربرد به استعمال‌های جدید واژه فرهنگ و معادل‌های اروپایی آن بازمی‌گردد؛ اما امروزه در تداول زبان‌های مختلف حتی بر کاربرد اول فائق آمده است.

امروزه وقتی فرهنگ گفته می‌شود، از آن مجموعه‌ای از رسوم اراده می‌شود که به‌طور سینه به سینه و نسل اندر نسل به عصر حاضر انتقال یافته است، بدون در نظر داشتن اینکه از منظر تربیتی این رسوم تا چه اندازه دارای ارزش مثبت یا حتی منفی باشند. در واقع این کاربرد از فرهنگ، با کاربرد پیشین به اندازه‌ای تفاوت دارد که می‌توان آن‌ها را با تسامحی در اصطلاح، در حد مشترک لفظی از یکدیگر متمایز دانست و واضح است که خلط این دو اصطلاح تا چه اندازه می‌تواند زمینه سوءتفاهم‌های علمی در مقام تحلیل باشد.

اما یکی از تفاوت‌های بنیادین میان این دو کاربرد فرهنگ، تفاوت در جنبه «خودآگاهی» است؛ وقتی سخن از فرهنگ به‌مثابه تعلیم و تربیت در میان است، یک فرد، یک طبقه از جامعه یا یک نهاد اجتماعی وجود دارد که در آن نقش فاعلی ایفا می‌کند و نسبت به کنشی که انجام می‌دهد، کم یا بیش خودآگاهی دارد. به تعبیر دقیق‌تر، می‌توان در فرهنگ به‌مثابه تعلیم و تربیت، میان تربیت‌کننده در جایگاه فاعل و تربیت‌پذیر در جایگاه مفعول که طیف گسترده‌ای از جامعه را در برمی‌گیرد، نوعی بی‌توانی در خودآگاهی و برتری تربیت‌کننده دید. در واقع، ناظر به همین معناست که نزد شماری از اندیشمندان دو سده اخیر، فرهنگ به‌نیگاه بازگشت دارد، نه به همه طبقات جامعه و آنچه مربوط به رسوم و سنت‌ها است، اساساً نزد آنان فرهنگ خوانده نمی‌شود.

مرجع تعیین پیشرفت چیست؟

پیشرفت در معنای لغوی آن در فارسی، به معنای حرکت کردن به سمت جلوس و جالب است که در واژه لاتین «progressus» نیز همین دو مؤلفه معنایی، یعنی